



حجة الاسلام والمسلمین
قدیری

فِئْتَهُ

بحثی درباره نماز مسافر

مرکز جامع علوم اشانی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

از مطالب گذشته چنین استفاده شد که شرط اول برای شکسته شدن نماز در سفر این است که فاصله بین محل حرکت تا مقصد ، کمتر از هشت فرسخ شرعی (- تقریباً ۲۵ کیلومتر - نباشد و یا مجموع رفتن و برگشتن برای کسی که قصد برگشتن دارد کمتر از این مقدار نباشد . در اینجا فقها ' عظام متعرض دو مساله شده اند که بیانگر حکم شکسته شدن فاصله معتبره است . و چون مبنای این دو مساله از مسائل مهم اصول الفقه است ما هم

به تبعیت از این بزرگان متعرض هر دو مساله می شویم .
مرحوم سید در عروه الوثقی هر دو مساله را ذکر فرموده اند ، یکی در مساله ۵ که فرموده اند :
" الاقوی عند الشک وجوب الاختیار او السؤال لتحصیل البینه او السماع المفید للعلم الا اذا كان مستلزماً للحرج " .
یعنی اقوی در مورد شک در مقدار مسافت این است که یا فاصله را اندازه گیری کنند و یا از اشخاص مطلع بپرسند تا بینهایت

علمی حاصل شود ، مگر اینکه حرج لازم نباشد و دوم در مساله ۷ فرموده اند :
" اذا شك فی مقدار المسافه شرعاً وجب الاحتیاط بالجمع الا اذا كان مجتهداً وكان ذلك بعد الفحص عن حکمه فان الاصل هو- التمام " .
یعنی اگر در مقدار مسافت شرعی شک کند واجب است احتیاط نماید و جمع کند بین وظیفه مسافر و حاضر ، مگر اینکه مجتهد باشد و فحص از وظیفه کرده و در عین حال باقی بر شک بماند که در اینصورت اصل این

است که نماز را تمام بخواند .
 در اینجا دو سؤال ممکن است مطرح شود :
 ۱- فرق بین دو مساله از نظر موضوع چیست؟ چون هر دو مساله در مورد شک در وجود مسافت است و حکم در مسأله اول این است که باید فحس کند و در مساله دوم فرق بین مقلد و مجتهد است و یک موضوع چگونه دو حکم مختلف دارد؟
 ۲- آیا حکمی که در این دو مساله گفته شده صحیح است یا یکی از آن دو صحیح است یا حکم دیگری هست؟

اما جواب از سؤال اول این است که گر چه مورد هر دو مساله شک است لکن شک در مساله اول شبهه موضوعیه است و در مساله دوم شبهه حکمیه ، و این دو شبهه دو موضوع مختلف هستند . برای توضیح این مطلب باید فرق بین شبهه موضوعیه و شبهه حکمیه را بیان کنیم .

فرق بین شبهه حکمیه و شبهه موضوعیه
 آنچه علما و اساتید در بیان فرق بین این دو شبهه فرموده اند این است که هر شبهه‌ای که رفع آن بدست شارع مقدس باشد شبهه حکمیه و هر شبهه‌ای که اینطور نباشد شبهه موضوعیه است .

مثلا اگر شک کنیم که آیا آبجو حلال است یا حرام ، رفع این شک بدست شارع است که وقتی مراجعه به او شد با ملاحظه اینکه فرموده است " الفقاع خمر " یعنی آبجو شراب است رفع شک می شود و می فهمیم که آبجو حرام است . این شبهه را شبهه حکمیه می گویند .

ولی اگر شک کنیم نوشابه‌ای که ساخته می شود به اسم " ما الشمیر " در بازار به فروش می رسد فقاع یعنی آبجو است یا چیز

دیگری ، رفع این شبهه بدست شارع نیست و خود مکلفین باید بفهمند که از کدام قبیل است ، و از همین جهت است که گفته شده تقلید از مجتهد در احکام است نه در موضوعات . این شبهه را شبهه موضوعیه می نامند .

به عبارت دیگر ، برای بدست آوردن یک حکم خاصی از روی تقلید یا اجتهاد در یک مورد خاص یک صغری و یک کبری لازم است مثلا در مورد آبجو که مثال زده شد برای اینکه بفهمیم نوشابه‌ای که در بازار به فروش می رسد حرام است دو قضیه لازم است یکی اینکه نوشابه مذکور آبجو است دوم اینکه آبجو حرام است تا نتیجه بگیریم نوشابه مزبور حرام است حال اگر در قضیه اول که صغری است شک کنیم یعنی سردد باشیم که نوشابه آبجو است این شبهه موضوعیه است و اگر شک در قضیه دوم که کبری است باشد یعنی سردد باشیم که آبجو حرام است این شبهه حکمیه است .

از این بیان معلوم شد که مساله اول که مرحوم سید فرموده اند در مورد شبهه موضوعیه است یعنی نمی دانیم فاصله بین محل حرکت تا مقصد یا مجموع رفتن و برگشتن به مقدار هشت فرسخ هست یا نه ، و مساله دوم در مورد شبهه حکمیه است ، یعنی نمی دانیم که فاصله‌ای را که شارع مقدس معتبر دانسته چه مقدار است ، مثل اینکه نمی دانیم آیا در مسافت تلفیقی ، که مجموع رفتن و برگشتن باید هشت فرسخ باشد رفتن آن باید از چهار فرسخ کمتر نباشد یا اگر کمتر هم بود مسافت ، شرعی است .

اما جواب از سؤال دوم ، یعنی لزوم فحس در هر دو مساله یا یکی از آنها یا تفصیل در موارد ، مربوط است به بحث معروف " جواز اجرای اصول در شبهات قبل از فحس و عدم آن " . و بنیای این اختلاف نظر این است که آیا موضوع ادله اصول ، نفس شک است تا اطلاق آن شبهات قبل از فحس را هم بگیرد یا موضوع ادله ، شبهات مزبور را شامل نیست .

به عبارت دیگر آیا اصل ، جواز اجرای اصل است در مطلق موارد حتی قبل از فحس و در موارد لزوم فحس ، به دلیل خاصی تسک می کنیم یا اصل ، عدم جواز است و در موارد جواز به دلیل تسک می نائیم ؟

اگر دلیل اصل ، عقلی یا عقلانی باشد مثل قبح عقاب بلا بیان که دلیل ، براءت عقلیه گفته شده است ، یا بنیای عقلا بر استحباب حالت سابقه که از ادله استحباب شمرده شده است ، شبهات قبل از فحس را شامل نیست ، زیرا ادله لبیه (غیر لفظیه) اطلاق ندارند ، و با فرض شک باید به قدر متیقن آنها تسک کرد و عقل یا عقلا در موارد قبل از فحس ، حکم یا بنیای مذکور را ندارند ، و اگر شک کنیم ، قدر متیقن از حکم عقل و بنیای عقلا ، شبهات بعد از فحس است . و اگر دلیل اصل ، لفظ باشد مثل ادله براءت شرعیه - رفع مالا یعلمون ، و غیر آن) یا ادله لفظیه استحباب (لاتنقض البقین بالشک) ، اطلاق این ادله شبهات قبل از فحس هم می شود . پس به مقتضای قاعده در هیچ موردی فحس لازم نیست و عمل بر طبق مفاد اصول جایز است . اگر به همین مقدار مطلب تمام می شد در هر دو مساله مورد بحث می گفتیم فحس ، لازم نیست و حکم سفر مرتب نمی شود و باید نماز را تمام خواند ، زیرا ادله لفظیه استحباب ، مطلق است و موارد شبهات موضوعیه و حکمیه ، چه قبل از فحس و چه بعد از فحس را شامل است و استحباب ، دلیل بر تمام بودن نماز است تا وقتی یقین به تحقق فاصله معتبره برای شکسته شدن نماز در سفر پیدا شود .

ولی اجماع و ضرورت ، دلالت دارند بر اینکه در شبهات حکمیه ، قبل از فحس ، اصل جاری نیست و الا هر مجتهدی میتواند بدون مراجعه به کتاب و سنت ، بر طبق اصول فتوی دهد ، بلکه بعضی از روایات هم دلالت بر آن دارند ، نظیر روایات معروفی که روز قیامت از بنده سؤال میشود چرا عمل نکردی؟ می گوید نمی دانستم ، سؤال می شود چرا یاد نگرفتی تا عمل کنی؟

از این حدیث معلوم می‌شود فحس و یاد گرفتن تکلیف برای عمل، لازم است و قبل از فحس، عمل جایز نیست حتی اگر با اصلی از اصول موافق باشد.

بنا بر این باید بین دو مسأله مورد بحث تفصیل دهیم و در مسأله اول بگوئیم اگر شک کنیم در اینکه فاصله به مقدار $22/5$ کیلومتر هست یا نه اصل این است که تمام بخوانیم و فحس لازم نیست، و در مسأله دوم بگوئیم اگر شک کنیم در اینکه فاصله معتبره که شرع مقدس برای شکسته شدن نماز مقرر فرموده چه مقدار است باید فحس و اجتهاد کنیم، و حکم مسأله را از روی ادله استنباط نمائیم، و مقلد باید به فتوای مرجع تقلیدش عمل کند و قبل از فحس باید سه احتیاط عمل شود، یعنی جمع شود بین تمام و قصر و جای تمسک به استحباب یا هیچ اصل دیگری نیست.

نکته‌ای در مسأله اول بنظر می‌رسد و آن اینکه مرحوم سید بعد از بیان وجوب اختیار یا سؤال، مورد حرج را استثنا می‌کنند یعنی میفرمایند اگر شک کنیم که فاصله بمقدار مسافت هست یا نه باید تحقیق کنیم مگر اینکه تحقیق حرجی باشد، حال سؤال این است که در مورد حرج که تحقیق واجب نیست چه باید کرد آیا باید احتیاط کنیم یا تمام بخوانیم یا شکسته بجا آوریم؟ معلوم است که وظیفه بودن قصر (شکسته) بی دلیل است چون تحقق مسافت معلوم نیست، پس باید بفرماید وظیفه تمام است چون اصل اقتضای تمام می‌کند و فحس ماقط است چون حرجی است، و یا باید بفرماید وظیفه جمع است چون اصل، قبل از فحس جاری نیست و علم اجمالی اقتضای جمع می‌کند.

لکن بنا بر هر دو فرض به ایشان اشکال متوجه می‌شود. اما در فرض اول، حرجی بودن فحس، مورد اصل را از شبهه قبل از فحس خارج نمی‌کند، و اگر اصل در شبهات قبل از فحس جاری نیست در اینجا هم جاری نیست. به عبارت دیگر لزوم فحس، لزوم طریقی است برای بدست آوردن تکلیف

پس اگر فحس نشد، چه از جهت حرج یا غیر آن باید به وظیفه قبل از فحس عمل شود، و مفروض این است که ایشان اتمام را قبل از فحس جایز نمی‌دانند. و اما در فرض دوم که در مورد حرج، وظیفه جمع است و وجوب اختیار و سؤال در غیر مورد حرج بی وجه است، زیرا شخص می‌تواند حتی در غیر مورد حرج، اختیار و سؤال نکند و نماز را جمع بخواند.

بنا بر این نتیجه این دو اشکال این است که استثنای مورد حرج صحیح نیست و اگر می‌فرمود در مورد شک، اختیار واجب است کافی بود و حکم مورد حرج هم از این عبارت استفاده می‌شد چون وجوب اختیار، طریقی است و از آن معلوم می‌شود که برای بدست آوردن تکلیف تمام یا قصر باید فحس کرد و بدون فحس باید احتیاط نمود و فرقی بین مورد حرج و غیر آن نیست.

ولی این صحبتها تمام روی مبنای خود ایشان بود که ادله اصول را شامل ندانیم و گذشت که در مسأله اول ادله، شامل است و وظیفه، تمام خواندن حتی قبل از فحس و سؤال.

حاصل آنچه بیان شد این است که باید بین دو مسأله تفصیل دهیم و در مسأله اول نماز تمام است و اختیار و سؤال لازم

نیست و در مسأله دوم احتیاط، واجب است مگر در مجتهد بعد از فحس از ادله، که در این صورت اصل تمام است و دلیل اصله التمام در مقاله‌های قبل ذکر شده است و مقلد که باید به فتوای مرجع خود عمل کند.

و لذا است که رهبر عظیم الشان و مرجع تقلید این امت، در حاشیه عروه در مسأله اول فتوای مرحوم سید راه احتیاط تغییر دادند و در مسأله دوم مقلد را به مجتهد عطف فرموده‌اند، و شاید نکته احتیاط در مسأله اول - با اینکه مقتضای قاعده واجب نبودن فحس و اتمام نماز است چنانکه گذشت - فتوای اعظم است، چرا که ایشان برای فتاوی‌ای علما اهمیت زیاد قائل هستند از خداوند متعال دوام سایه بلند پای ایشان را بر سر جمهوری اسلامی و همه مستضعفان خواهانیم.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار
والحمد لله رب العالمین.

